

## جستاری در نسخه خطی تذکرة السلاطین محمود میرزا قاجار

نوشته انور خالدی<sup>۱</sup>

### درآمد:

دوره قاجار (۱۲۱۰ - ۱۳۴۴ هـ)، جدا از اهمیت سیاسی آن، از نظر تاریخ‌نویسی نیز دوره‌ای پراهمیت است که طی آن، آثار فراوانی در زمینه تاریخ نگاشته شد. هنوز منابع بسیاری از آن دوره بر جا مانده که مورد بررسی و قرار نگرفته‌اند.

تذکرة السلاطین، اثر محمود میرزا قاجار، پسر فتحعلی شاه، از این دسته منابع تاریخی است که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته و به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌ها مانده است. از آنجا که این اثر، از آثار تاریخی مهم صدر قاجاری است و بررسی آن، گوشه‌ای از تاریخ‌نویسی عصر قاجاری را روشن می‌کند، نگارنده بر آن شد تا به بررسی این اثر بپردازد.

تذکرة السلاطین، اثری است در تاریخ عمومی و به سال ۱۲۴۴ ق. نگاشته شده است. مؤلف وقایع تاریخی را بر خلاف دیگر تواریخ عمومی، از پادشاهی کیومرث آغاز و تا عصر مؤلف (فتحعلی شاه) ادامه داده است. این اثر علاوه بر وقایع تاریخی، به ذکر اولاد فتحعلی شاه و رجال و شخصیت‌های درباری نیز پرداخته است.

### شرح حال مؤلف (محمود میرزا قاجار):

محمود میرزا قاجار، در روز سه شنبه دوازدهم صفر سال ۱۲۱۴ ق. از بطن فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران.

— ۱۲۵۰ ق.) و مریم خانم اسرائیلیه مازندرانی، دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> وی پسر چهاردهم<sup>۲</sup> و به قولی پسر پانزدهم<sup>۳</sup> فتحعلی شاه است. برادران بطنی وی عبارت بودند از: همایون میرزا، احمد علی میرزا و جهان شاه میرزا<sup>۴</sup>. محمود میرزا در چهار سالگی، از طرف فتحعلی شاه به صدراعظم، میرزا محمد شفیع سپرده شد تا زیر نظر وی تربیت شود و حدود دوازده سال تحت نظر میرزا محمد شفیع قرار گرفت<sup>۵</sup>. او در این میان، از محضر اساتید برجسته‌ای نظیر میرزا عبداللطیف لاریجانی (استاد خط تعلیق)، ملاحسنعلی مازندرانی (استاد علم اخلاق) میرزا رضای مجوس (استاد ریاضی اقلیدسی)، میرزا ابوالقاسم تهرانی بهره گرفت؛ به همین دلیل در زمره یکی از شاهزادگان با فضل و علم قاجاری در آمد.<sup>۶</sup>

محمود میرزا در شانزده سالگی و در سال ۱۲۳۰ ق. به دستور پدر خود، فتحعلی شاه، به حکومت نهایند منصوب گردید. محمود میرزا به گفته خود با وجود بی‌علاقگی به امور حکومت و کشورداری و تنها به دلیل اینکه به فرمان شاه به حکومت منصوب گردیده و اطاعت از شاه واجب، آن را قبول کرده است.<sup>۷</sup> او در مدتی که حاکم نهایند بود، خدمات زیادی از خود بر جای گذاشت. آثار و عمارت‌هایی که به دستور وی بنا شدند، عبارتند از: قلعه روئین دژ، باغ شاه، روضه خاقان، کاخ همایون، قصر مسعود، منظر محمود، گلشن احمد، بقاع خیر، بقعه امام زاده احمد، بقعه بدیع الزمان، مدرسه محمودیه و ...<sup>۸</sup>

با مرگ میرزا محمد شفیع، حامی محمود میرزا، امیدهای وی به یأس تبدیل گردید و به گفته خود، کثرت شاهزادگان و قلت مداخل مملکت ایران وی را وادار می‌داشت که در بیت‌الاحزان نهایند اقامت کند و به صاحب اختیار آنجا قناعت ورزد.<sup>۹</sup> بنابراین محمود میرزا به خیالش می‌رسد که اقدامات دیگری را انجام دهد و در ابتدا تصمیم می‌گیرد که از راه سپاهی‌گری،

بر اخوان و همگنان خود فایق آید و چندی هم به اسب‌سواری و تیراندازی می‌پردازد، اما نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آورد. مدتی به مشق خط، آموختن علم نجوم، آموختن فن طب و حکمت می‌پردازد تا از این راه بتواند به مطلوب خود دست یابد، اما تلاشش بی‌ثمر می‌ماند. سرانجام با یأس تمام، راه قناعت در پیش

۱. نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۷۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و شماره ۱۶۷۸ ف کتابخانه ملی.
۲. همان، ص ۲۰۳؛ محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، ج ۲، ص ۶۹۹؛ علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، اکسیر التواریخ، ص ۲۰۴.
۳. علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، همان.
۴. میرزا فضل الله شیرازی (خاوری)، تاریخ ذوالقرنین، ج ۲، ص ۹۸۶.
۵. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین، ص ۲۰۳؛ محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، ج ۲، ص ۶۹۹؛ میرزا فضل الله شیرازی (خاوری)، همان، ج ۲، ص ۸-۹۸۷.
۶. محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، ص ح و ط مقدمه؛ همان، ج ۱، ص ۲۵۶-۷.
۷. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین، ص ۲۰۷.
۸. پیشین، ص ۱۰-۲۰۷؛ علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، همان، ص ۵-۲۰۴؛ میرزا فضل الله شیرازی (خاوری)، همان، ج ۲، ص ۹۸۷.
۹. محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، ج ۲، ص ۷۰۰.

می‌گیرد و از عرض کمالات که در هر باب مایه خذلانش گردیده بود، چشم می‌پوشد و ولایت نهایند را به برادر کوچکترش، جهانشاه میرزا واگذار و از حکومت نهایند کناره‌گیری می‌کند.<sup>۱</sup> محمود میرزا علت یأس و بدبینی خود را به صراحت بیان نمی‌دارد، اما از بیت حافظ که از زبان او نقل می‌شود:

من از بیگانگان هرگز ننالم      که با من هر چه کرد آن آشنا کرد<sup>۲</sup>

می‌توان دریافت که گلایه و شکایتش از نزدیکان، از جمله برادرش بوده است.

پس از آن در سال ۱۲۴۱ ق. به حکومت لرستان دست یافت. در دوران حکومتش در لرستان بود که با برادر بزرگترش محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه (حاکم بروجرد و بختیاری)، اختلافی بر اثر نزاع میان دو قبیله ساکی و سکوند پیدا کرد که سپهر، مؤلف *ناسخ‌التواریخ*، آتش فتنه را میان دو برادر خاموش و نزاع آنان را مبدل به آشتی ساخت، اما دیری نپایید که دوباره آتش خفته بیدار شد و این بار نزاع دو طرفه به شکست محمود میرزا انجامید و خرم‌آباد به دست لشکریان حسام‌السلطنه افتاد. به همین جهت، فتحعلی شاه منشور حکومت لرستان را به نام حسام‌السلطنه صادر کرد و محمود میرزا به ناچار به تهران احضار شد.<sup>۳</sup> به گفته اعتضادالسلطنه، محمود میرزا در سال ۱۲۴۲ ق. معزول شد و در دارالخلافه طهران به خدمات پادشاهی پرداخت و در سال ۱۲۵۰ در سفر به اصفهان، او نیز ملتزم رکاب حضرت اعلی بود. «پس از آن واقعه هایله تا دارالامان قم به اتفاق نعش مطهر بود و از آن بلد روی به حدود لرستان آورد و ...»<sup>۴</sup>

با مرگ فتحعلی شاه و جلوس محمد شاه بر تخت سلطنت در سال ۱۲۵۰ ق. میرزا ابوالقاسم صدراعظم محمد شاه، برخی از فرزندان فتحعلی شاه از جمله محمود میرزا را که مخالف پادشاهی محمد شاه بودند، به عناوین مختلف، یکی پس از دیگری به تهران آورد. از این رو، مأمورین دولت بنا به دستور قائم مقام، او را در ذی قعدة سال ۱۲۵۱ ق دستگیر و روانه تهران کردند. او از آن پس تا سال ۱۲۵۱ ق.، با جمعی از شاهزادگان توقیف و تحت نظر ماند. با قتل قائم مقام صدراعظم محمدشاه در سلخ صفر سال ۱۲۵۱ ق. محمد شاه حدود یازده نفر از شاهزادگان را دسته جمعی به اردبیل تبعید کرده در آنجا زندانی نمود. سرانجام چند نفر از شاهزادگان به روسیه فرار کردند و بقیه آنان نیز از سوی محمد شاه به تبریز کوچ داده شده، در آنجا تحت نظر و مراقبت قرار گرفتند که محمود میرزا یکی از آنها بود.<sup>۵</sup> ظاهراً محمود میرزا تا هنگام مرگ در آنجا ماند. تاریخ دقیق وفات او معلوم نیست. مهدی بامداد مرگ وی را در ۳۶ سالگی ذکر کرده است،<sup>۶</sup> اما به طور قطع این تاریخ اشتباه است، زیرا وی در سال ۱۲۵۵ کتاب *مرآت محمدی* و در سال ۱۲۶۲ کتاب *اخبار*

۱. همان، ج ۲، ص ۷۰۰-۲؛ محمود میرزا قاجار، *تذکره السلاطین*، ص ۲۱۰.

۲. محمود میرزا قاجار، *سفینه‌المحمود*، ج ۲، ص ۷۰۳.

۳. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، *ناسخ‌التواریخ* (تاریخ سلاطین قاجاریه)، ج ۲، صص ۱۹-۲۰، میرزا افضل‌الله شیرازی (خاوری)، ج ۲، ص ۷۳۳.

۴. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، همان، ص ۲۰۴.

۵. مهدی بامداد، *شرح حال رجال ایران*، ص ۶۶۴.

۶. همان.

جستاری در نسخه خطی تذکره السلاطین محمود میرزا قاجار / انور خالندی

محمدی را تألیف نموده است. شاید قول آقا بزرگ طهرانی صاحب الذریعه الی تصانیف الشیعه که سال وفات وی را ۱۲۷۱ ق. نوشته، صحیح‌تر باشد.<sup>۱</sup> گر چه دیوان بیگی شیرازی صاحب حدیقه الشعراء نیز به این دلیل که اگر محمود میرزا زمان ناصرالدین شاه را درک کرده بود، او نیز همانند حسنعلی میرزا و محمد تقی میرزا از زندان آزاد می‌شد، قول صاحب الذریعه را درست نمی‌داند.<sup>۲</sup>

خاوری شیرازی، در مورد محمود میرزا می‌نویسد: «شاهزاده‌ای است غیور و پیوسته سرمست از باده غرور. با وجود خویش، احدی را در روزگار موجود نمی‌شمارد و از مقام سلطنت، پای خود را فراتر نمی‌گذارد. در محفل شاهزادگان از ایشان دور نشسته، حرفی از لا و نعم بر زبان نمی‌راند، زیرا که احدی را قابل به مخاطب خویش نمی‌داند... اکثری از ارباب نظم و نثر را در دربار خود، موجب و مرسوم می‌داد و کسب نظم و نثر از تألیفات ایشان به نام خود به یادگار می‌نهاد. در فنون کمالات، به اسم تنها قانع بود و این اعتقاد را نیز نوعی از کمال فرض می‌نمود. از بدو اوقات طفولیت، با حقیر الفتی داشت و لحظه‌ای مرا فارغ نمی‌گذاشت. زحمت‌ها بردم و خون‌ها خوردم و به کنه جمودت او پی نبردم... در اجرای سیاست، زیاده سفاک بود و در هر فتنی از فنون سواری و تیراندازی و خرید بازی، با وقوف و بی‌باک ... مجرمین را در دیگ آب نهاده، جسم ایشان را از جوش آتش بیداد می‌فرسود...»<sup>۳</sup>. به نظر می‌رسد که بینش مغرضانه خاوری شیرازی درباره محمود میرزا، ناشی از دو عامل باشد: ۱. وی به دست همایون میرزا و محمود میرزا به زندان افتاده است. ۲. پس از فوت فتحعلی شاه، محمود میرزا از مغضوبین درگاه محمد شاه قاجار بود.<sup>۴</sup>

اما اعتضادالسلطنه، برادر ناتنی محمود میرزا و بهمن میرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه، دیدگاه متعادل‌تر و بی‌طرفانه‌تری نسبت به او دارند. اعتضادالسلطنه می‌نویسد «نواب مستطاب، شاهزاده محمود میرزا، بسیار عادل و باذل، صاحب کمال و ارباب وجد و حال، و کتب فراوان در هر علمی تصنیف نمود و مایه و راغب به مذهب غالی و بانی بناهای عالی...»<sup>۵</sup>. بهمن میرزا در مورد وی می‌نویسد: «ملک‌زاده شیرین زبان و شاهزاده‌ای است با فصاحت و بیان، اصحاب کمال و مراقب ارباب حال، در نکته‌دانی و سخن‌سنجی بی‌همتا است و بیشتر اوقاتش معروف اشعار و انشاء دیوانی ترتیب کرده‌اند. علاوه بر دیوان، تألیف و تصنیف دیگر هم دارند و حال در دارالخلافة طهران به سر می‌برند»<sup>۶</sup>. عبدالرزاق دنبلی نیز در مورد وی می‌نویسد: «شاهزاده نیک آثار شیرین گفتار، ادیبی است اریب و سخن‌سنجی است لیبب. با اهل کمال و مقال البیف و صاحب تصنیف و تألیف ... طرزی خوش آیند در قلم و نثر دارد و همت بزرگانه در تحصیل کمال و تکمیل

۱. محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، ص ۱۲، به نقل از آقابزرگ طهرانی، بخش سیم، ج ۹، ص ۱۰۱۱ و ج ۱۲، ص ۱۹۷.

۲. سید احمد دیوان بیگی شیرازی، حدیقه الشعراء، ج ۳، ص ۱۵۹۶.

۳. میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، همان، ج ۲، ص ۹۸۶۰.

۴. ناصر افشارفر، «محمود میرزا حاکم نهاوند»، فرهنگ‌نگار، سال ۱، شماره ۲، زمستان ۸۷، ص ۱۳۱.

۵. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه، همان، ص ۲۰۴.

۶. بهمن میرزا قاجار، نسخه خطی تذکره محمد شاهی، به شماره ۱۰ ب ادبیات، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

حال و خصال می‌شمارد و ...»<sup>۱</sup>

خاوری شیرازی، در ذکر اولاد امجاد محمود میرزا، تعداد اولاد وی را ۳۴ نفر<sup>۲</sup> و تعداد اولاد ذکور او را ۱۷ نفر ذکر کرده، در حالی که اعتضاد السلطنه ۱۹ نفر<sup>۳</sup> و سپهر ۱۷ نفر نوشته‌اند.<sup>۴</sup> شیخ سیاوش میرزا، مسعود میرزا، محمدزمان میرزا، سلطان تکش میرزا، سبکتکین میرزا، کیان میرزا و جمشید میرزا، از جمله فرزندان ذکور محمود میرزا بوده‌اند.<sup>۵</sup>

### آثار مؤلف:

محمود میرزا قاجار، چون از شاهزادگان آگاه قاجاری و اهل قلم بود، فضل و دانش و ذوق فراوانی داشت، به تألیفات زیادی اعم از نثر و نظم دست زد. به غیر از تذکره السلاطین که نسخه مورد مطالعه این پژوهش است، آثار متعدد دیگری نیز از خود بر جای گذاشت که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

۱. **تاریخ صاحبقرانی:** تاریخ خاندان قاجار است که آن را در ربیع‌الاول سال ۱۲۴۸ آغاز و در سال ۱۲۴۹ ق. به پایان برده است. این اثر، رویدادهای ۳۸ ساله فتحعلی شاه را در بردارد. وی به شرح آبا و اجداد دودمان قاجار پرداخته و سپس وقایع آن دولت را تا سال ۱۲۴۹ آورده است. وی رویدادها را به دو صورت موضوعی و سال‌نگاری ذکر کرده است.<sup>۶</sup>

۲. **سفینه‌المحمود:** در ذکر اشعار و احوال خاقان فتحعلی شاه و شاهزادگان و ملتزمان رکاب و شعرای معاصر از سرزمین ایران. وی این اثر را در سال ۱۲۴۰ ق. تألیف کرده است.<sup>۷</sup>

۳. **گلشن محمودی:** در شرح و تفصیل اولاد فتحعلی شاه و اشعار آنها و اسامی زنان و دختران فتحعلی شاه.<sup>۸</sup> این کتاب را در سال ۱۲۳۶ ق. تألیف نموده است.

۴. **مرآت محمدی:** وی وقایع ایام را از سال ۱۲۴۳ ق. که مصادف با زمان عباس میرزا است، شرح می‌دهد و سال‌های پایانی حکومت فتحعلی شاه را به تصویر می‌کشد؛ سپس درباره جلوس محمد شاه بر تخت سلطنت و حوادث روزگار او تا سال ۱۲۵۱ ق. مطالبی را بیان می‌کند. وی این اثر را به محمد شاه قاجار اهدا کرده است.<sup>۹</sup>

۱. عبدالرزاق مفتون دنبلی، نگارستان دارا، ص ۲-۳۱.
۲. میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، همان، ج ۲، ص ۱۲-۱۰۹.
۳. علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، همان، ص ۲۰۴.
۴. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، همان، ج ۲، ص ۸-۱۴۷.
۵. علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، همان، میرزا فضل‌الله شیرازی (خاوری)، همان.
۶. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی تاریخ صاحبقرانی به شماره ۶۳ ف، کتابخانه ملی؛ برای آگاهی بیشتر در مورد این اثر، نک: محمود میرزا قاجار، تاریخ صاحبقرانی، تصحیح نادره جلالی.
۷. محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود.
۸. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی گلشن محمودی به شماره ۹۵ ف، کتابخانه ملی.
۹. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی مرآت محمدی به شماره ۵۸۴ ف و بازایی ۱۰۵۸۴، کتابخانه ملی.

۵. **اخبار محمدی:** وی این اثر را در سال ۱۲۶۲ ق. نوشته و به محمد شاه قاجار اهدا کرده است. این اثر، تاریخ مختصری است از اوضاع مهم جهان از بدو آفرینش تا سال ۱۲۶۲ ق.<sup>۱</sup>.
۶. **مجمع المحمود:** مجموعه‌ای از آثار برگزیده محمود میرزا است که آن را در سال ۱۲۴۱ ق. در شهر نهبوند تألیف کرده که حاوی بسیاری از تألیفات وی نظیر گلشن محمدی، مخزن المحمود، درر المحمود، بیان المحمود، تذکره السلاطین و .. است. اما بخش قابل توجه دیگر آن، چهار مجلس است که شامل فهرست شعرای اولاد فتحعلی شاه و شعرای خوانین و امرا آنها، شعرای درجه اول دربار، شهرها و قصبات ایالت‌هایی نظیر فارس، خراسان، آذربایجان، گیلان و مازندران و فهرست اسامی شعرای آن ایالات است؛ همچنین در این اثر، تصاویر رنگی زیبایی از جمله مجلس فتحعلی شاه، تصویر پیامبر اسلام، شکار فتحعلی شاه و .. را داراست.<sup>۲</sup>
۷. **تحفه شاهی:** این دیوان شامل غزلیاتی است که تخلص همه آنها فتحعلی شاه است و در قرن ۱۳ قمری تألیف گردیده است.<sup>۳</sup>
۸. **نقل مجلس:** در ذکر احوال و اقوال شعرای متقدمین و معاصرین نسوان است. شامل چهار مجلس در تراجم بعضی از بنات حمیده صفات فتحعلی شاه، شرح احوال برخی از مخدرات پرده عصمت و عفاف و سرای پادشاهی و بعضی از زنان اخوان محمود میرزا، ذکر شعرای نسوان سایر بلاد ایران و شعرای نسوان روزگار سلف.<sup>۴</sup>
۹. **محمود نامه:** توقیعات دلکش و حکایات خوش را حاوی است و حکایات و لطایف و پند و نصایح را مشتمل است.<sup>۵</sup>
۱۰. **درر المحمود:** در مورد قصاید و غزلیات و قطعاتی از خود محمود میرزا است.<sup>۶</sup>
۱۱. **بیان المحمود:** در ذکر اشعار فتحعلی شاه و نیز اشعار شعرای متفرقه، همراه اسامی آنها.<sup>۷</sup>
۱۲. **نصایح مسعود:** در اندرز و پند دادن به فرزندش، مسعود میرزا.<sup>۸</sup>
۱۳. **سنبلستان:** در تذکره اقوال بعضی زنان، که ظرافت و سخنان پوچ است.<sup>۹</sup>
۱۴. **پرورده خیال:** در تحریر مکاتبات به اختلاف حال و مکان و به حکایتی مینوب است و به خواهش

۱. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی اخبار محمدی به شماره ۵۷۸ ف و بازیابی ۱۰۵۷۸، کتابخانه ملی.  
۲. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی مجمع المحمود به شماره ۵-۱۹۱۳۳، کتابخانه ملی.  
۳. نادره جلالی، «رسالات محمود میرزا قاجار»، آینه میراث، ش ۱۲، بهار ۸۰، ص ۱۱۰۷.  
۴. همان، محمود میرزا قاجار، نسخه خطی مجمع المحمود.  
۵. محمود میرزا قاجار، مجمع المحمود، ص ۴۴۶ - ۴۱۱.  
۶. همان، ص ۶۳۸ - ۴۴۹.  
۷. همان، ص ۵۱ - ۶۴۰.  
۸. همان.  
۹. همان.

جستاری در نسخه خطی تذکره السلاطین محمود میرزا قاجار/ انور خاندی

- همسر سوگلی پدرش، تاج الدوله اصفهانی، تألیف شده است.<sup>۱</sup>
۱۵. **مقصود جهان:** مقصود از آن، احوالات خلق اهل لرستان و بعضی بدایع و آثار آن است.<sup>۲</sup>
۱۶. **باده بی خمار:** این کتاب را در سال ۱۲۴۷ ق. تألیف کرده که درباره می‌خوارگی و مقامات آن است با جدولی از مقامات فرهنگی از نام‌های گوناگون شراب به فارسی و عربی و ۱۲ نفر از شعرای مشهور معاصر، اشعاری در تعریف آن سروده‌اند.<sup>۳</sup>
۱۷. **مبکی العیون:** در تعزیه و مرثیه که قریب به هزار بیت است.<sup>۴</sup>
۱۸. **رؤیای صادق:** که قبله عالم را در عالم واقعه به نظر مبارک رسیده و تأثیر کلی بخشیده.<sup>۵</sup>
۱۹. **مخزن‌المحمود:** در کیفیت احوال عرفان از خوارق عادات.<sup>۶</sup>
۲۰. **کتاب حدیث:** ظاهراً در زمان مؤلف به چاپ رسیده که موضوع آن احادیثی است از پیامبر و ائمه که محمود میرزا گردآوری کرده است.<sup>۷</sup>
۲۱. **منتخب‌المحمود:** در مورد احادیث، اخبار و معجزات نبوی است.<sup>۸</sup>
- محمود میرزا به غیر از تألیفات مذکور، آثار دیگری نیز به نام‌های ضیاء‌المحمود، دیوان اشعار و صاحب‌نامه<sup>۹</sup> دارد که از معرفی بیشتر آنها به دلیل اطاله کلام، خودداری می‌گردد.

### نسخه‌های اثر:

از این اثر، چهار نسخه شناخته شده که دو نسخه آن متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و دو نسخه دیگر متعلق به کتابخانه ملی است که در زیر به مشخصات هر کدام از آنها پرداخته می‌شود:

۱) نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۵۸۴۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: این نسخه کامل است و در آن هیچ افتادگی مشاهده نمی‌شود. در مقدمه (دیباچه) آن در ذیل برخی عبارات، معانی و تفاسیر آن با قلم قرمز نوشته شده است. این نسخه به خط نستعلیق ریز تحریر شده و صفحات آن شماره‌گذاری شده و برخی از حکایات و ظرافت و عجائب و .. در حاشیه‌های متن نوشته شده است.

۱. همان.

۲. محمود میرزا قاجار، مقصود جهان، به تصحیح هارون و هومن؛ ناصر افشارفر، «نهادند به روایت مقصود جهان»، فرهنگستان، ش ۶، زمستان ۷۹، ص ۷-۱۱۱.

۳. نادره جلالی، همان، ص ۱۱۸.

۴. همان.

۵. همان؛ محمود میرزا قاجار، مجمع‌المحمود.

۶. نادره جلالی، همان، ص ۱۱۸.

۷. همان.

۸. محمود میرزا قاجار، مجمع‌المحمود، ص ۷-۲۵۱.

۹. نادره جلالی، همان، ص ۸-۱۱۷، ناصر افشارفر، «محمود میرزا قاجار حاکم نهادند»، ص ۳-۱۳۲؛ میرزا معصوم خاوری کوزه‌کنانی، نسخه خطی مهرخاوری به شماره ۲۸۱۵، کتابخانه ملی.



۲) نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۷۴۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: این نسخه که به خط نستعلیق درشت به تحریر درآمده و مورد استفاده نگارنده در این پژوهش قرار گرفته است، هفت صفحه اول آن موجود نیست و از جمله «کستر ابوالنصر و المظفر مؤید» شروع شده است. نگارنده، هفت صفحه آن را از نسخه خطی تذکره السلاطین کتابخانه ملی به شماره ۱۶۷۸ ف گرفته است. آغاز این نسخه به شرح ذیل است: «تذکره السلاطین، تألیف محمود میرزا بن فتحعلی شاه قاجار. نسخه نفیس و بی نظیر است که در سنه ۱۲۴۴ هجری قمری تحریر و در همین اوان نیز تألیف گردیده، موضوع آن ذکر سلسله سلاطین ایران است تا زمان قاجاریه و قسمت جالب و مفید آن، ذکر نام و تعداد اولاد فتحعلی شاه و شاهزادگان، اسامی رجال درباری، وزراء، مستوفیان، علما، شعرا و منجمان و حکما که در نه صنف به شرح حالشان پرداخته است. شرح حال مفصلی هم از خود آورده و در خاتمه فصلی هم به مطایبات اختصاص داده که بسیار شیرین است. از اول کتاب، بیش از چند سطر نیفتاده است. انجام نسخه نیز با این عبارت است:

گر چه تفسیر زبان روشن گر است      لیک عشق بی زبان، روشن تر است

«تمت الکتاب فی دوازدهم شهر شعبان المعظم شهر سنه ۱۲۴۴ هزار و دویست و چهل و چهار.»  
همچنین این نسخه، جدولی را که شامل نام سلسله‌ها و سلاطین آنهاست و در نسخه‌های دیگر آمده، ندارد.

اسامی سلسله‌ها و پادشاهان با خط قرمز نوشته شده است. صفحات این نسخه شماره‌گذاری شده و در ۲۸۷ صفحه ذکر گردیده که در آن اشتباهاتی رخ داده است؛ شماره صحیح صفحات آن، ۲۶۹ صفحه است.  
۳) نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۱۶۷۸ ف، کتابخانه ملی: آغاز نسخه با این عبارت است: «الله خیر الاسما

این نامه که تذکره سلاطین آمد و از نام سلاطین به صدائین آمد»  
انجام نسخه نیز با این بیت است:

چون قلم اندر نوشتن می‌شتافت      چون به عشق آمد، قلم در هم شکافت  
و بیت:

گر چه تفسیر زبان روشن گر است      لیک عشق بی‌زبان روشن تر است

عبارت «تمت الکتاب...» را ندارد، اما در انتهای نسخه این عبارت آمده که در نسخه‌های دیگر نیامده است: «در عهد دولت قوی شوکت، خاقان اسکندر شأن جم پاسبان دارا دربان فرخ‌الخوانین و سلطان السلاطین، ظل الله فی الارضین، فتحعلی شاه قاجار - آدام الله ایام اقالبه و دولته - تتبع تألیف این بنده، محمود قاجار بن فتحعلی شاه اتمام یافت.» همچنین این عبارت نوشته شده است که در دیگر نسخه‌ها موجود نیست: «هذا کتاب تذکره السلاطین، من تألیفات محمود قاجار ابن فتحعلی شاه، خلد الله ملکه».

همچنین جدولی در دو صفحه که در آن نام سلسله‌ها و سلاطین آنها آورده شده است، با عنوان: «فهرست اسامی پادشاهان کشورستان از ابتدا تا ...».



جستاری در نسخه خطی تذکره السلاطین محمود میرزا قاجار / انور خالدی

برخی دیگر از مشخصات ظاهری این نسخه عبارت است از «نوع کاغذ: فرنگی، خط: نستعلیق، تزئینات جلد: تیماج، بنفش مقوایی، اندازه سطور: ۲۱۵ × ۳۴۵، تزئینات متن: سرفصل‌ها با مرکب قرمز، عبارات عربی و اسما اعلام با مرکب قرمز»

(۴) نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۲۵۳۴، کتابخانه ملی: آغاز نسخه با «بسمله، الحمدالله الملک القدوس السلام...» و انجام نسخه نیز با بیت:

«گرچه تفسیر زبان روشن‌گر است / لیک عشق بی زبان روشن‌تر است»

در مقدمه، همانند نسخه شماره ۵۸۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، معانی و تفسیر برخی از کلمات و اصطلاحات، با قلم قرمز نوشته شده است. اسامی سلاطین و سلسله‌ها همانند دیگر نسخه‌ها به قلم قرمز آمده و صفحات نیز شماره‌گذاری نشده است؛ همچنین در برخی از صفحات، در حاشیه متن عباراتی نوشته شده است. تاریخ کتابت نیز ذکر نشده است.

برخی دیگر از مشخصات ظاهری آن عبارت است از: نوع کاغذ: فرنگی، خط: نستعلیق، ۷۵ برگ، ۱۵ سطر کامل، اندازه سطور: ۱۲۰ × ۱۸۵، تزئینات جلد: روغنی، بوم گل و بوته‌دار، مستعمل مقوایی. تزئینات متن: سرفصل‌ها با مرکب قرمز، جدول دور سطور قرمز و مشکی و زر.

### معرفی اجمالی اثر:

محمود میرزا قاجار، پسر فتحعلی شاه، آثار و تألیفات فراوانی را در مدت حیات خویش در زمینه‌های نثر و نظم از خود به یادگار گذاشت که در قسمت پیشین، ذکر آن رفت.

اثر حاضر که توسط نگارنده مورد بررسی و تفحص قرار می‌گیرد، به نام تذکره السلاطین، به صورت نسخه خطی است که تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته و تا حدودی ناشناخته مانده است. محمود میرزا این اثر را نیز همچون بسیاری دیگر از آثارش، به سفارش و دستور، فتحعلی شاه به زیور طبع آراسته و بنابر این، اثری کاملاً فرمایشی و دستوری است. از سال آغاز تألیف این اثر توسط او، اطلاعی در دست نیست، اما از آنجا که در پایان این نسخه عبارت «تمت الکتاب فی دوازدهم شهر شعبان المعظم شهر ۱۲۴۴ هزار و دوپست و چهل و چهار» نوشته شده است، می‌توان پی برد که در سال ۱۲۴۴ ق. کتابت شده است.

محمود میرزا در مقدمه اثرش، اشاره‌ای به سال تألیف اثر نکرده است. وی از آن رو اسم اثرش را تذکره السلاطین نام نهاده که به شرح احوال و اقدامات سلاطین ایران از زمان کیومرث تا دوران خودش (سلطنت فتحعلی شاه)، به طور خلاصه پرداخته است.

وی در مورد انگیزه نوشتن این اثر در مقدمه‌اش می‌نویسد: «نظر به تقلب اوضاع روزگار و بی‌ثباتی زمانه غدار، به خاطر فترت این آماده ستم سپهر دژم نیازمند درگاه حضرت سنان‌النعیم، بنده بی‌بضاعت، محمود قاجار رسید که عبرت نام موسوم به تذکره السلاطین در باب بی‌اعتباری دنیای پر مصیبت و الم مشتمل بر ذکر هر یک از پادشاهان عجم و مدت سلطنت و مجملی از وقایع عجیبه و بدایع غریبه و حکایات مضحکه و امورات متعلقه به ایام دولت ایشان تألیفات نماید تا در صفحه روزگار به یادگار ماند از بدو آنها تا یومنا هذا

که زمان دولت و نوبت سلطنت والد ماجد جلیل الشان جهاندار بزرگوارست...»<sup>۱</sup>. پس این اثر، تاریخی عمومی است که وقایع را از کیومرث، اولین پادشاه ایرانی، تا زمان مؤلف همراه ذکر شرح حال فرزندان و اولاد فتحعلی شاه و تنی چند از رجال درباری، شعرا، عرفا و... ذکر کرده است. همان‌طور که در قسمت نسخه‌های اثر آورده شد، این اثر دارای چهار نسخه است. که مبنای پژوهش، نسخه خطی به شماره ۷۴۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران گردید که با گذاشتن آن کنار دیگر نسخه‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد. باید خاطر نشان ساخت که آغاز این نسخه افتادگی دارد و برای تکمیل آن از نسخ دیگر استفاده شده است.

### نگاهی به محتوای اثر:

تذکره السلاطین، تاریخی عمومی است که از پیشدادیان شروع و تا عصر مؤلف (عصر فتحعلی شاه) ادامه می‌یابد.

مؤلف پس از نوشتن دیباچه، به ذکر تاریخ اساطیری ایران می‌پردازد. این اثر برخلاف دیگر تواریخ عمومی که از خلقت آدم شرح آفرینش آدم و سرگذشت پیامبران شروع می‌شوند، از سلاطین اساطیری ایران، یعنی پیشدادیان و کیانیان شروع شده و پس از توضیح مختصری در مورد آنها، به حکومت اشکانیان و ساسانیان می‌رسد.

در ادامه، مؤلف به حکومت امویان پرداخته و دومی آن، به وقایع حکومت‌های ایرانی پس از اسلام پرداخته است، اما از سلسله ایرانی طاهریان، ذکری به میان نیاورده و به ذکر وقایع حکومت‌های سامانیان، آل بویه، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان پرداخته است. نکته جالب توجه آنکه در ضمن ذکر وقایع سلاطین که البته کاملاً سیاسی است، از ذکر شخصیت‌های معروف و به ویژه شاعران آن دوره نیز غفلت نمی‌ورزد. مؤلف قبل از ذکر وقایع حکومت مغول و ایلخانان، به وقایع حکومت‌های کوچکی نظیر اتابکان فارس، اسماعیلیان و قراختاییان کرمان می‌پردازد. ذکر خلافت خلفای بنی‌عباس همراه مدت حکومت هر یک از خلفا و وقایع مهم آن دوره همراه ذکر داستان‌ها و حکایاتی از آنان، بخش بعدی اثر را تشکیل می‌دهد. البته باید خاطر نشان ساخت که در برخی موارد، مؤلف احساسات خود را ابراز داشته و نسبت به برخی خلفا اظهار تنفر کرده که در قسمت‌های بعدی بدان خواهیم پرداخت.

مؤلف در ادامه با پرداختن به وقایع دوره حکومت مغول و ایلخانان، برخی از اماکن نظیر سلطانیه را که ایلخانان مغول ساخته‌اند و مؤلف شخصاً از آنها دیدن کرده، به دقت ذکر می‌کند. مؤلف از حکومت‌های عصر فترت، تنها به امرای ایلکانی اشاره می‌کند و ضمن آن، از بناهایی که زمان حکومتش در نهبوند (۱۲۳۰ - ۱۲۴۱) ساخته، نظیر قلعه روئین دژ و مدرسه محمودیه، سخن می‌گوید.

سپس مؤلف به حکومت تیموریان - که دیدی مثبت نسبت به آنها دارد - پرداخته و بدون اشاره به

۱. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۱۶۷۸ ف، کتابخانه ملی.

حکومت قراقریونلوها، به حکومت سلاطین آق قویونلوها، از جمله اوزون حسن می‌رسد. ضمن تمجید از وی، یعقوب پسر اوزون حسن را نکوهش می‌کند. مؤلف پس از آن، به وقایع دوران حکومت صفویه پرداخته و ضمن تمجید از شاه اسماعیل و ذکر حوادث دوران شاه طهماسب، گریزی به شهر طهران زده و این شهر را توصیف می‌کند. او ضمن ذکر خصوصیات و مشخصات این شهر، به قصرهایی که از آن شاهزادگان قاجاری است، همراه نام این شاهزادگان اشاره می‌کند. وی در ادامه، با تمجید فراوان از حکومت شاه عباس اول و وقایع دوران وی از وقایع حکومت دیگر شاهان صفوی یاد می‌کند و با اشاره‌ای بسیار مختصر به حکومت افغانان و وقایع دوران نادرشاه افشار با تمجید از او، از اغتشاشات دوران پس از مرگ نادر شاه یاد می‌کند؛ سپس به حکومت زندیه با دیدی کاملاً منفی و نکوهش این حکومت پرداخته که در جای خود از آن سخن خواهیم گفت. مؤلف در ادامه بدون، اشاره به اصل و نسب قاجاری‌ها که در نوع خود جالب توجه است، به تکاپوهای خاندان قاجاری برای رسیدن به قدرت می‌پردازد و وقایع را به صورت مختصر ذکر می‌کند؛ سپس پادشاهی فتحعلی شاه قاجار را با مدح و وصف فراوان، به صورت مختصر ذکر می‌کند. مؤلف در ادامه با ذکر فرزندان فتحعلی شاه و شاهزادگان قاجاری و شرح احوال مختصری از آنان، به ذکر برخی از امرا و خدمتگزاران دربار که آنها را به نُه صنف تقسیم کرده است، می‌پردازد. این نُه صنف عبارتند از: (۱) اقربا و منشیان، (۲) امرا قاجار، (۳) وزراء، (۴) سران سپاه، (۵) مجتهدین، (۶) حکما و الهیین، (۷) عرفا، (۸) شعرا و (۹) منجمین.

مؤلف در ادامه با ذکر شرح حال خود در پایان اثرش، حکایات و داستان‌هایی با عنوان ظرافت، مطایبه، من العجایب و ... از دوران سلاطین آورده و انگیزه خود را از ذکر آنها این طور بیان داشته است: «... این سفینه از این قماش صحبت‌ها خالی نباشد و وقت فراغ، ملاحظه آن تفریحی بخشد. ان شاء الله تعالی» البته بایستی خاطر نشان ساخت که مؤلف در ذکر اسامی سلاطین، مدت حکومت آنها را نیز نوشته است.

#### منابع مورد استفاده مؤلف:

تذکره السلاطین، تاریخی عمومی است که حوادث و وقایع را از پیشدادیان آغاز و تا عصر خود ادامه می‌دهد. نویسندگان کتاب‌های تاریخی عمومی، در هر دوره و زمانی، درصدد تبیین تاریخ سلسله‌شان در تداوم تاریخ ایران و اسلام و ایجاد جایگاهی شایسته و ریشه‌دار در تاریخ بوده‌اند؛<sup>۱</sup> از این رو مورخان برای اینکه سلطنت را یک امر ثابت در تاریخ یک ملت جلوه دهند، زندگی پادشاهان قدیم را هر چه باشکوه‌تر در مقام غلو و مبالغه ترسیم کرده‌اند. شیوه توجه به باستان‌گرایی و گذشته‌گرایی در افکار جامعه، بیشترین سود را ایفا کرده و بیشترین سود را در تثبیت پایه‌ای حکومت سلاطین در سایه گرایش به گذشته داشته است که در جای خود، به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت. بدون شک، مورخانی که تواریخ عمومی می‌نگارند،

۱. محمد باقر آرام، اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی، ص ۲۳۹.

تاریخ قبل از خود را از منابع دیگر اقتباس و رونویسی یا به عبارتی دیگر «گرته برداری»<sup>۱</sup> بنا بر این محمود میرزا نیز تاریخ قبل از خود را از منابع دیگر گرته برداری کرده است که ذیلاً بدان خواهیم پرداخت. مؤلف در ذکر پادشاهی پیشدادیان و کیانیان، از روایات شاهی نامه فردوسی استفاده کرده است. به عنوان مثال در ذکر پادشاهی کیومرث، شعر «نخستین خدیوی که کشور گشود.

سر تاجداران، کیومرث بود»<sup>۲</sup> را آورده و در ذکر پادشاهی ضحاک نیز از روایات شاهینامه فردوسی استفاده کرده است. وی در برخی موارد دیگر نیز خود مستقیماً اذعان کرده که مطلب را از شاهینامه، گرته برداری کرده است.

مؤلف در بخش تاریخ پیشدادیان، از کتاب *روضه الصفای میرخواند* نیز استفاده کرده است. به عنوان مثال محمود میرزا در ذکر پادشاهی هوشنگ می نویسد: «... جواهر و زر و سیم از معدن او بیرون آورد»<sup>۳</sup> و *روضه الصفای* نوشته است، می نویسد: «جواهر و زر و سیم از معدن بیرون آورد»<sup>۴</sup>

نمونه‌های دیگر: تذکره السلاطین: «ضحاک را بیوراسب گفتندی؛ چون بیو به معنی ده هزار است و او را ده اک نیز خواندندی به علت این که ده عیب داشت»<sup>۵</sup> *روضه الصفای*: «ضحاک را بیوراسب و ده اک نیز گویند، چون پیوسته ده هزار اسب تازی در طویله داشت و چون مصنف به ده عیب بود، ملقب به ده اک شد...»<sup>۶</sup>

منبع دیگر وی در زمینه تاریخ پیشدادیان و کیانیان، *تاریخ سنی الملوک و الانبیا* (تاریخ پیامبران و شاهان) حمزه اصفهانی بوده که ذکر مدت پادشاهی را از حمزه اصفهانی اقتباس نموده است.<sup>۷</sup>

مؤلف، در این بخش همچنین از تاریخ گزیده حمدالله مستوفی سود برده است؛ مثال: تذکره السلاطین: «در ذکر پادشاهی طهمورث: روزه به جهت قحطی که در روزگار او شد، بنا گشت.»<sup>۸</sup> تاریخ گزیده: «آیین روزه داشتن در عهد او پدید شد، جهت آنکه قحطی عظیم اتفاق افتاده بود.»<sup>۹</sup> محمود میرزا برای تاریخ اشکانیان و ساسانیان نیز از منابعی نظیر *تاریخ سنی الملوک و الانبیا* و تاریخ گزیده استفاده است؛ به عنوان مثال در ذکر پادشاهی خسرو پرویز، همه مطالب را از کتاب حمزه اصفهانی و تاریخ گزیده، نقل و اقتباس کرده است.<sup>۱۰</sup>

۱. محمد باقر آرام، *اندیشه تاریخی نگاری عصر صفوی*، ص ۲۳۹.
۲. محمود میرزا قاجار، *نسخه خطی تذکره السلاطین* به شماره ۱۶۷۸ ف، کتابخانه ملی، ص ۵-۴.
۳. همان، ص ۶.
۴. محمدبن خاوندشاه میرخواند، *تاریخ روضه الصفای*، ج اول، بخش دوم، ص ۵۸۳.
۵. محمود میرزا قاجار، *نسخه خطی تذکره السلاطین* به شماره ۷۴۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۸.
۶. محمدبن خاوند شاه میرخواند، همان، ج ۱، بخش دوم، ص ۶۰۸.
۷. حمزه اصفهانی، *تاریخ پیامبران و شاهان*.
۸. محمود میرزا، *تذکره السلاطین*، ص ۶.
۹. حمدالله مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۷۹.
۱۰. محمود میرزا قاجار، ص ۱۹؛ حمزه اصفهانی، همان، ص ۵۸؛ حمدالله مستوفی، همان، ص ۱۲۲.

مؤلف در ذکر تاریخ بنی امیه، سلسله‌های صفاریان، سامانیان، آل بویه، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، اتابکان فارس، اسماعیلیان و قراختاییان، به طور مستقیم از تاریخ گزیده گرتنه بردای کرده است. در ذیل، به چند نمونه از آنها اشاره خواهیم کرد: تذکره السلاطین: در مورد مروان بن حکم: «زن او بالشت بر دهان او نهاد تا به درک رفت»<sup>۱۱</sup> تاریخ گزیده: «زن بالش بر دهانش نهاد و بر او نشست تا بمرد.»<sup>۱۲</sup> تذکره السلاطین: «در روزگار او (برکیارق)، فرنگیان بیت المقدس را گرفته، هفتاد هزار مسلمان را شهید کردند»<sup>۱۳</sup> تاریخ گزیده: «فرنگان بیت المقدس را از مسلمانان باز گرفتند، هفتاد هزار مسلمان را شهید کردند»<sup>۱۴</sup>.

محمود میرزا در ذکر خلفای بنی عباس نیز از دو منبع تاریخ گزیده و تاریخ روضة الصفا استفاده کرده است. نمونه‌های: تذکره السلاطین: «السفاح، بسیار فصیح زبان و کریم اخلاق بود»<sup>۱۵</sup> تاریخ گزیده: «سفاح، فصیح و بلند رای و نیکو سخن و کریم اخلاق بود.»<sup>۱۶</sup> تذکره السلاطین: «در ذکر خلافت معتصم: قوت بازوی او به مرتبه‌ای بود که او گوسفند را به دو دست نگاه می‌داشت تا پوست می‌کنند»<sup>۱۷</sup> تاریخ روضة الصفا: «... گویند که قوت وی به مرتبه‌ای بود که دو گوسفند را به دو دست گرفته، نگاه داشت تا سلخ کردند.»<sup>۱۸</sup> محمود میرزا در ذکر خلافت بنی عباس، از منابع دیگری نیز استفاده کرده است که خود به آن اشاره کرده است: «ابن بابویه را بر آن است که آن حضرت (امام علی النقی) را متوکل ملعون زهر داد.»<sup>۱۹</sup> در مورد حکومت مغولان و ایلخانان نیز تا حکومت آریاکاوان، از تاریخ گزیده اقتباس نموده است. مؤلف در ذکر حکومت تیموریان نیز از تاریخ روضة الصفا میرخواند سود برده است. وی لشکرکشی‌ها و فتوحات تیمور را به صورت تیتروار، همراه سال وقوع آنها ذکر کرده که از تاریخ روضة الصفا گرفته است. منبع دیگر محمود میرزا در استفاده از اثرش، تاریخ عالم آرای عباسی اسکندربیک منشی است که خود نیز به آن اشاره کرده است، وی تاریخ صفویان را تا پایان دوره شاه عباس اول، به طور مستقیم از تاریخ عالم آرای عباسی گرتنه برداری کرده است. به عنوان نمونه، وی در ذکر پادشاهی طهماسب و جنگ او با سلطان سلیمان عثمانی، از این منبع سود برده است.<sup>۲۰</sup> مثال: تذکره السلاطین: «در ولایت قاین، باز در آن روزگار، بارانی از آسمان بارید، شبیه به دانه گندم که

۱۱. محمود میرزا قاجار، همان، ص ۲۲.  
۱۲. حمدالله مستوفی، همان، ص ۲۶۹.  
۱۳. محمود میرزا قاجار، همان، ص ۴۰.  
۱۴. حمدالله مستوفی، همان، ص ۴۴۲.  
۱۵. محمود میرزا قاجار، همان، ص ۴۰.  
۱۶. حمدالله مستوفی، همان، ص ۴۴۲.  
۱۷. محمود میرزا قاجار، همان، ص ۵۸.  
۱۸. محمدبن خاوندشاه میرخواند، ج سوم، ص ۲۶۴۸.  
۱۹. محمود میرزا قاجار، همان، ص ۶۳.  
۲۰. همان، ص ۹۸؛ اسکندربیک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، صص ۱۰۹-۱۲۹.

خلایق از آن نان پختند»<sup>۱</sup>. تاریخ عالم آرای عباسی: «در ولایت قاین خراسان، غریب‌تر از وقایع عجیبه، روزگار دانه‌های شبیه به دانه گندم از آسمان بارید که خلایق جمع کرده، از آن نان پختند»<sup>۲</sup>. محمود میرزا در ذکر پادشاهی شاه عباس اول نیز همه مطالب خود را از تاریخ عالم آرای عباسی گرفته است.

وی هم چنان که در اثرش اشاره کرده، برای بیان وقایع دوره افشاریه، از تاریخ جهانگشای استرآبادی استفاده کرده و وقایع و اقدامات نادر شاه را به صورت تیتروار، از این کتاب اقتباس نموده است.<sup>۳</sup>

### سبک نگارش:

سنت تاریخ نویسی پر تکلف و مملو از «تطویلات لاطائل» و مقید به معلق نویسی عصر میانه که در عصر صفوی نیز عمدتاً بر همان بنیان‌ها تداوم یافته بود، پس از سقوط صفویان و با ظهور میرزا مهدی خان استرآبادی، روبه دگرگونی و تحولی چشم‌گیر گذاشت و به سوی تاریخ‌نویسی روان و پیراسته از لفاظی‌های ملال آور ادبی متمایل گشت.<sup>۴</sup>

در عصر قاجار، یعنی از آغاز قرن سیزدهم تا اوایل قرن چهاردهم هجری، در نتیجه حرکت و جنبشی که به آن رستاخیر ادبی یا «بازگشت ادبی» گویند، نثر به صورت بهتری در آمد.<sup>۵</sup> استرآبادی در شیوه تاریخ‌نویسی به سبک روان، در تاریخ نویسان عصر قاجاری نیز تأثیر نهاد و عبدالرزاق مفتون دنبلی (م ۱۲۴۱ ه) و خاوری شیرازی، مؤلف تاریخ ذوالقرنین، اولین رهروان مکتب تاریخ‌نویسی (روان نویسی) استرآبادی گشتند.

از آنجا که فتحعلی شاه نیز خود در ادب دستی داشت و نیز به دلیل تأثیر پذیرفتن از باورها و اسلوب نمایندگان مکتب بازگشت ادبی و علاقه به تاریخ‌نویسی، خواهان نوشتن تاریخ به زبانی ساده و روان و مستحکم گردید و بدین سبب، تاریخ‌نویسی به صورت نثری روان و به دور از پیرایش‌ها و آرایش‌های ادبی ملال آور، رواج یافت.<sup>۶</sup> در چنین فضایی بود که محمود میرزا رشد پیدا کرد و از آنجا که شاهزاده درباری بود و از این قضایا ناآگاه نبود، وی نیز جزو آن دسته از تاریخ‌نویسان و ادیبانی قرار گرفت که نثر خود را به صورت روان می‌نوشتند.

محمود میرزا از آنجایی که نویسنده‌ای پرکار و آشنا به متون نظم و نثر فارسی بود، دستی توانا در نوشتن

۱. محمود میرزا قاجار، همان، ص ۱۰۰.

۲. اسکندریگ منشی، همان، ج ۱، ص ۱۹۳.

۳. میرزا مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری.

۴. عبدالحسین زرگری نژاد، «خاوری شیرازی و تثبیت مکتب تاریخ‌نویسی استرآبادی»، تاریخ، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال دوم، شماره یکم، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱.

۵. محمدتقی بهار (ملک الشعرا)، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۱۶.

۶. برای آگاهی بیشتر در این مورد، رک: غلامحسین زرگری نژاد، همان.



داشت و دارای نثری بسیار شیرین و دلچسب بود. البته مقدمه وی در تذکره السلاطین کمی منشیانه به نظر می‌رسد، اما تشبیهات و تمثیل‌های ادبی بسیار زیبایی به کار برده که در نوع خود بی‌نظیر می‌نماید. وی در این اثر، از آوردن اشعاری به مناسبت و فراخور متن استفاده کرده است که قسمتی از این اشعار را از دیگر شاعران نقل کرده و در برخی موارد نیز اشعاری از خود با عنوان «لمؤلفه» آورده است.

مؤلف در مقدمه‌اش، از آوردن آیه‌های قرآن و اصطلاحات و عبارات عربی نیز استفاده کرده که توانایی او را در این زمینه می‌رساند. وی همچنین در برخی موارد به فراخور متن، داستان‌ها و حکایاتی را نقل می‌کند که جالب است. او گاه تشبیهات زیبا، استعارات دلنشین و ضرب‌المثل‌های دلنشین آورده، خواننده را به سر وجد می‌آورد.

وی در بخشی از این اثر، حکایات و داستان‌های جالبی را به تصویر می‌کشد تا خواننده را که شاید از خواندن متن خسته شده، بدین سان آرامش دهد.

مؤلف در هر جای متن که می‌خواهد از خود سخنی گوید، با کلمات «این حقیر»، «مهمجور»، «ضعیف» و .. اظهار فروتنی و خشوع می‌کند.

روی هم‌رفته می‌توان گفت که نثر کتاب تذکره السلاطین از نمونه‌های خوب نثر آغازین عصر قاجاری است که نشانگر حرکت از نثرهای آکنده به تکلف دوره‌های پیشین به سمت و سوی ساده نویسی و روان نویسی است.

### ویژگی‌های تاریخ نویسی محمود میرزا:

چون سلاطین قاجاری دلبستگی خاصی به ثبت وقایع و حوادث دوران سلطنت و فرمانروایی خود داشتند، تاریخ نویسی در این عصر رونق زیادی پیدا کرد و تألیفات متعددی در این زمینه صورت گرفت.

دوره قاجار از نظر تاریخ نویسی به دو دوره تاریخ نویسی سنتی و تاریخ نویسی جدید تقسیم می‌گردد. از آنجا که نسخه مورد بررسی این پژوهش مربوط به دوره اول قاجار است (آقا محمدخان، فتحعلی شاه و محمد شاه) و تاریخ نویسی سنتی بر آثار این دوره حکمفرماست، ابتدا به ویژگی‌های تاریخ نویسی سنتی در دوره قاجار خواهیم پرداخت و سپس ویژگی‌های تاریخ نویسی محمود میرزا در تذکره السلاطین را ذکر خواهیم کرد.

سنت تاریخ نویسی در ایران عصر قاجار، تداوم حرکتی است که از دوران صفویه به بعد آغاز گردید و عمدتاً تحت تأثیر همان نگرش و دیدگاهها بود. تاریخ نویسان این دوره، تمامی حوادث را از نزدیک می‌دیدند و در پی ثبت وقایع بودند، اما آنچه از آن غفلت می‌ورزیدند، درک چگونگی ایجاد این تحولات و حوادث بود. ادوار براون مینویسد: «از حبیب السیر و ملحقات رضا قلی خان بر روضه الصفا و ناسخ التواریخ و خلد برین، چیزی نمی‌توان گفت، چرا که تواریخ آنها مربوط به مردم ایران نیست، بلکه درباره زندگی شاهان، شاهزاده‌ها و اشرافی است که مستبدانه بر آنها حکومت می‌کردند. این کتاب‌ها گزارش‌های ملال‌آوری از خونریزی‌ها، تعدی‌ها و غارت‌های بیهوده است. فقط از مطالعه دقیق و صبورانه می‌توان حقایقی از آنها به



دست آورد که در مورد مسائل و مشکلات مذهبی، سیاسی و اجتماعی، نکاتی را روشن کند.<sup>۱</sup> تا حدودی می‌توان دیدگاه براون را یک جانبه گرایانه قلمداد کرد، اما باید دانست که در تاریخ نگاری سنتی، سنجش، نقد و ارزشیابی منابع و نتیجه‌گیری در کار نبود و مؤلفان، وقایع را بدون در نظر گرفتن روابط علت و معلولی کنار هم می‌چیدند و از ذکر بسیاری از وقایع، به سبب ترس و مصلحت اندیشی یا درک نکردن معنای آن، چشم پوشی می‌کردند.<sup>۲</sup>

نکته مهمی که باید در مورد تاریخ نویسی این دوره گفت، این است که اصولاً تاریخ نویسان عصر قاجاری فاقد یک نظریه تاریخی در ذهن خود بودند و بیشتر به وقایع نگاری می‌پرداختند. آنان از عوامل بنیادینی که موجب بروز و دگرگونی در جامعه آن روز ایران شده بود، غافل بودند و اگر پاره‌ای از آنها در ذهن خود نظریه‌ای داشتند، این نظریه در حقیقت تداوم همان نگرش پیشینیان به حکومت، آن هم حکومت پادشاهی بود. از دیدگاه آنها، اراده حق تعالی بر این تعلق می‌گرفت که بنده‌ای از بندگان خویش را عزت دهد و دیگران را ذلیل کند و با همین نظریه ساده، تمامی کشمکش‌های پدید آمده بر سر قدرت را توجیه می‌کردند. با توجه به دیدگاه ظل‌اللهی پادشاه آن است که وظیفه مردم در قبالش، اطاعت و فرمانبرداری است و او هیچ‌گونه وظیفه پاسخ‌گویی به مردم ندارد و اگر نسبت به مردم عدالت ورزید، لطفی است که ابراز داشته است.<sup>۳</sup>

بسیاری از آثار تاریخی این دوره، بر اساس سفارش پادشاه و کارگزاران حکومت نوشته شده و در نتیجه، کاملاً فرمایشی و درباری است. رسالت تاریخ درباری که سابقه‌ای طولانی در تاریخ‌نویسی ایران دارد و بازتابی از فرهنگ و شیوه‌های تفکر و زندگی حاکم بر دربارها و محافل قدرت به شمار می‌آید، عبارت است از: (۱) توجیه وضع موجود و مشروع نشان دادن آن در سایه توسل به تاریخ و بازگویی دلخواه حوادث گذشته، به منظور تثبیت پایه‌های فکری و فرهنگی قدرت حاکم، با کشف یا جعل ریشه‌های تاریخی و تبارنامه‌های سیاسی و فکری برای این قدرت‌ها (۲) گزارش حوادث و رخدادها معاصر برای آیندگان، به گونه سانسور شده یا آمیخته به تحریف.<sup>۴</sup>

از دیگر ویژگی‌های تاریخ‌نویسی این دوره، آمیختگی مطالب گوناگون در این آثار است. در اکثر آثار تاریخی این دوره، می‌توان مطالبی در زمینه علوم دینی و ادبی، حکایت‌های سرگرم کننده، سرگذشت عارفان و مطالبی از این دست مشاهده کرد. از این دیدگاه می‌توان برخی از کتاب‌های تاریخی این عصر را به منزله کتاب‌های تذکره به شمار آورد. چنان‌که برخی معتقدند تا پیش از تحولات عصر جدید، ادب، شعر، تذکره نویسی و ترجمه احوال، با تاریخ، مجموعه واحدی را تشکیل می‌داده و در حقیقت تاریخ، جزئی

۱. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران از عصر صفویه تا عصر حاضر، ص ۹۰ - ۳۸۹.

۲. فریدون آدمیت، «انحطاط تاریخ نگاری در ایران»، سخن، سال هفدهم، ش ۱، فروردین ۱۳۴۶، ص ۱۰۹.

۳. محمدرضا حاج بابایی، تاریخ نویسی در عصر قاجار، ص ۹-۱۱.

۴. نامعلوم، «تاریخ نگاری درباری»، حوزه، شماره سوم، سال چهارم، مرداد و شهریور ۱۳۶۶، ش ۲۱، ص ۱۴۱.

از ادبیات بوده است.<sup>۱</sup>

سلطان‌ستایی و شاه محوری، تقدیس قدرت، تقدیر گرایی، تأویل گرایی، اغراق و گزافه‌گویی و تملق و چاپلوسی از دیگر ویژگی‌های تاریخ نویسی این دوره از عصر قاجاری است که به دلیل اطاله کلام، از تشریح آنها خودداری می‌شود، ولی ذیل ویژگی‌های تاریخ نویسی محمود میرزا در تذکره السلاطین، توضیح داده خواهد شد.

از آنجا که بیشتر آثار محمود میرزا در حوزه ادبیات است، می‌توان او را مورخ ادیب دوره قاجاری دانست، ولی در این اثر، بسیاری از اندیشه‌های تاریخ نویسی‌اش نمایان می‌شود. در تقسیم‌بندی تذکره السلاطین به دو قسمت - که قسمت اول آن تاریخی و شامل وقایع تاریخی از کیومرث تا عصر مؤلف و قسمت دوم که تذکره یا شرح احوال است - باید خاطر نشان ساخت که بیشتر اندیشه‌های تاریخ نگاری وی، از قسمت اول که تاریخی است درک می‌شود. اندیشه‌های تاریخ نویسی محمود میرزا، جدا از اندیشه‌های تاریخ نویسی این دوران نیست، زیرا وی نماینده‌ای از اندیشه تاریخ نویسی این دوره از عصر قاجار است. چون دیباچه این اثر به طور کامل باقی مانده است، می‌توان از روی این دیباچه بسیاری از اندیشه‌های تاریخ نویسی وی را دانست.

اولین اندیشه‌ای که در تاریخ نویسی وی با توجه به دیباچه اش به چشم می‌خورد، اندیشه ظلّ اللّهی است. دیدگاه ظلّ اللّهی به این معنی که پادشاه سایه خدا روی زمین و در واقع نماینده و عامل مشیت الهی روی زمین است، بازپرداختی شرعی از نظریه سیاست‌نامه نویسانی نظیر خواجه نظام الملک است. طباطبایی در این باره می‌نویسد: «این اندیشه که شاه خلیفه خدا بر روی زمین و وجود او مبین لطف شامل الهی است که پس از بسته شدن دایره نبوت و امامت برای اصلاح حال و راحت بندگان و دفع عدوان ارباب ظلم و طغیان به مصداق «تَوَتَّى الْمَلِكُ مَنْ تَشَاءُ»، شخصی را به پادشاهی بر می‌گزینند، اندیشه‌ای نیست که منحصر به تاریخ‌نویسان و سیاست‌نامه‌نویسان بوده باشد... این اندیشه، کمابیش مورد قبول نمایندگان جریان‌های گوناگون فکری در ایران بود.<sup>۲</sup> مؤلف ضمن اشاره به این اندیشه و توجیه آن به وسیله آیات و احادیث، ولایت و سرپرستی پادشاه بر مردم و انتخاب وی از سوی خدا را مطرح می‌کند و با اشاره به وظایف پادشاهان که منادی عدل و احسان و یاریگر مظلومانند و اطاعت همه مردم بر آنها واجب است، ایل قاجار را منصوب از سوی خداوند و حاکمیت آنان بر مردم می‌داند.<sup>۳</sup> محمود میرزا در دیباچه‌اش، این اندیشه را همراه آیات قرآنی آورده است.

تأویل گرایی (مصادره به مطلوب آیات و احادیث)، به وفور در این دیباچه به چشم می‌خورد و همواره مؤلف به دنبال آن است که با استفاده از آیات قرآنی و احادیث، حکومت قاجاری را مشروع و قانونی جلوه

۱. ساروی، تاریخ محمدی (احسن التواریخ)، ص ۱۳.

۲. جواد طباطبایی، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران، ص ۳۰۳.

۳. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۱۶۷۸ ف کتابخانه ملی، ص ۶-۴.

داده، آن را ادامه دهنده سلاطین اسلامی معرفی کند.<sup>۱</sup>

اعتقاد به موعود گرایی یا میسیانیزم<sup>۲\*</sup> یعنی منجی گرایی و مهدویت در اندیشه‌های وی روشن است و مؤلف در جایی که از امام مهدی(ع) بحث می‌کند، ظهور هر چه زودتر او را خواستار است: «ظهور آن حضرت، عن قریب واضح و لایح گردد.»<sup>۳</sup>

دیدگاه‌های مذهبی، از جمله موارد دیگر قابل بررسی در اندیشه‌های تاریخ‌نویسی مؤلف است. از آنجا که مؤلف، پیرو مذهب شیعه اثنی عشری است، همانند دیگر تاریخ‌نویسان شیعه مذهب در دیباچه‌اش، پس از حمد خداوند و مدح پیامبر، به مدح اهل بیت و به ویژه امام علی (ع) پرداخته و اشعاری در مدح وی آورده است. مؤلف در برخی موارد، تعصب مذهبی شدیدی به خرج داده و برخی از شخصیت‌های سنی مذهب و اسماعیلی را به باد لعنت و بدگویی گرفته و بدین گونه هم تعصب مذهبی خود را نشان داده و هم جانب‌داری و غرض‌ورزی‌اش را ثابت کرده است. عبارت‌هایی نظیر: «عمر علیه‌العه و النیران»، «معاویه علیه‌اللعنه و النیران»، «مروان بن حکم ملعون»، «متوکل علیه‌اللعنه»<sup>۴</sup> گواه این مدعاست. وی هم چنین مذهب شیعه اسماعیلی را سرزنش کرده و ضمن متهم ساختن آنها به «الحاد»، در مورد مرگ علاءالدین محمد اسماعیلی، عبارت «لا یرحمه الله» را آورده است.<sup>۵</sup> علاوه بر این، نمونه‌های دیگری نیز از این دست، در اثر وی پیداست که به دلیل اطاله کلام، از ذکر آن خودداری می‌شود.<sup>۶</sup>

شاید بتوان ادعاهای او در مورد اشاره به ابدی نبودن این دنیا و ناپایداری آن و به فکر روز حساب بودن، را در زمره این دیدگاه وی قرار داد. مؤلف پیوسته در دیباچه و متن، به این مسئله اشاره دارد و اشعاری در این مورد آورده است:

تو با خود چه بردی بگو هیچ هیچ  
به مال جهان سر خود مپیچ

«همانا که آز و حرص آدمی به غیر از دولت دین، تمام تمام خواهد شد و جمله به اتمام می‌رسد.»<sup>۷</sup>

مؤلف در ذکر وقایع دوره حکومت صفویان، به شدت از آنها حمایت و همواره با احترام یاد می‌کند. او به مدح و تمجید این پادشاهان می‌پردازد و این ناشی از دیدگاه مذهبی وی نسبت به این حکومت شیعی مذهب است که بانی و مروج مذهب تشیع در ایران بودند.

از آنجا که محمود میرزا خود شاهزاده‌ای قاجاری است و اثر وی کاملاً دستوری و درباری است، برخی دیگر از ویژگی‌های تاریخ‌نویسی وی را در ذیل تاریخ‌نویسی درباری باید جستجو کرد. مسائلی نظیر سلطان

۱. همان، ص ۱.

## 2.messianism

۳. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۷۴۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۴. همان، ص ۲۳، ۲۱، ۶۲.

۵. همان، ص ۵۱.

۶. برای اطلاعات بیشتر در این مورد، رک: همان، ص ۲۰، ۳۳ و ۵۶.

۷. همان، ص ۳۴، ۴، ۶۰، ۷۱.

ستایی و شاه محوری، تملق و چاپلوسی، تقدیس قدرت، گرایش انحصاری به موضوعات سیاسی - نظامی، اغراق و گرافه گویی، بی‌عفتی در سخن، گذشته‌گرایی و باستان‌ستایی، از این نوع هستند.

سلطان‌ستایی و شاه‌محوری - که از خصوصیات تاریخ‌نویسی درباری است - به وضوح در اثر محمود میرزا به چشم می‌خورد. در این نوع، مؤلف به جای محور قرار دادن مردم و گزارش، تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی متعلق به آنان، به گونه‌های انحصاری، شخص شاه و سلطنت را محور قرار می‌دهد. این ویژگی، ناشی از آن است که این مورخان، به اصالت و قداست قدرت معتقدند و کارهای به اصطلاح شاهانه را شایسته گنجانیدن در تاریخ فرض کرده، از ثبت و نگارش حوادث مربوط به مردم خودداری می‌ورزند.<sup>۱</sup> در این اثر، به وضوح این خصیصه در تاریخ‌نویسی محمود میرزا مشاهده می‌شود که شاهان قاجاری، به ویژه فتحعلی شاه، بیش از حد معمول بزرگ جلوه داده شده است.

محمود میرزا در این اثر به سلطنت و قدرت با دید تقدیس نگاه می‌کند و در پرتو همین امر است که از پادشاه و همه وابستگان به پادشاه، با عناوین گوناگونی که پر از تملق است یاد کرده و در مقام تاریخ‌نویسی و ذکر نام بر دیگران، برتری داده و القاب شگفت‌آوری که لایق آن نیستند، را نثارشان کرده است.

مدح‌های طولانی وی در مورد شاهان قاجاری، به ویژه فتحعلی شاه، نظیر: «اعلی‌حضرت قدر قدرت، سلیمان حشمت مرغ صولت، کیوان مرتبت گردون شوکت، داور دادگر و سلطان عدالت گستر، ابوالنصر و الظفر المؤید...» «حضرت داور خدیو عالم پناه عرش بارگاه ذوالاقتدار، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان، السلطان الاعظم، فتحعلی شاه قاجار...»<sup>۲</sup> و آراستن وی به صفات بی‌حد و حصر از سوی مؤلف، تملق و اغراق وی را می‌رساند.

وی همچنین پیوسته در ذکر شاهزادگان قاجاری، به تعریف و تمجید از آنها پرداخته است، در صورتی که همگان از ظلم و ستم آنان به مردم آگاهی دارند. وی هیچ‌کدام از مظالم انبوه شاه و شاهزادگان قاجاری را نسبت به مردم ذکر نکرده است.<sup>۳</sup>

بنابر این، وی به جای پرداختن به حوادث تاریخی، بیشتر بیوگرافی سلاطین و حکام را موضوع تاریخ خود قرار داده و شرح حال نویسی سلاطین، امرا و حکام را کرده است و در بسیاری از موارد با بهره‌گیری اغراقی و نامشروع از کاربرد واژه‌ها و به هم بافتن جملات زیبا، از کاه، کوه ساخته است.

گذشته‌گرایی و باستان‌ستایی، از جمله ویژگی‌های تاریخ‌نویسی جدید بود که در دوره قاجار شکل گرفت، ولی رگه‌هایی از آن نیز در تاریخ‌نویسی سنتی دوره قاجار مشاهده می‌شود. محمود میرزا در این اثر، تاریخ خود را با ذکر پادشاهی کیومرث آغاز می‌کند، برخلاف دیگر تواریخ عمومی که از هبوط آدم شروع می‌شوند. در پی آن بود که سلطنت را امری ثابت در تاریخ یک ملت جلوه دهد و پایه‌های حکومت شاهان

۱. ناشناس، «تاریخ نگاری درباری»، حوزه، شماره ششم، سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۶۶، ش ۲۴، ص ۱۴۷.

۲. محمود میرزا قاجار، نسخه خطی تذکره السلاطین به شماره ۱۶۷۸ ف، کتابخانه ملی، ص ۷.

۳. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۷۴۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۸۰ - ۱۵۵.

قاجاری را در سایه پرداختن به تاریخ اساطیری و باستانی ایران، تثبیت کند. او می‌خواست سلطنت خاندانش را از این نظر قانونی جلوه دهد و ادامه دهنده سلاطین ایرانی قلمداد کند. وی در دیباچه‌اش فتحعلی‌شاه، را وارث تاج و تخت کیانی می‌خواند<sup>۱</sup> آراستن شاهان و شاهزادگان قاجاری به القاب سلاطین اساطیری و باستانی ایران، مؤید این مطلب است: «... سکندر فر کیومرث اساس هوشنگ نیک، طهمورث فرهنگ ضحاک احتشام فریدون غلام و ...»<sup>۲</sup>

بی‌عفتی در سخن، از ویژگی‌های دیگر تاریخ نویسی محمود میرزا است. مواردی در این اثر به چشم می‌خورد که دیدگاه‌های جانبدارانه و غرض‌ورزانه وی را می‌رساند. وی نسبت به برخی از سلسله‌ها و سلاطین بدگویی کرده و آنان را به باد تمسخر گرفته است. بر خلاف بسیاری از منابع، یعقوب آق قویونلو را به فاسقی متهم می‌کند و از او به عنوان «پادشاه فاسق» نام می‌برد. احتمالاً دلیل وی برای این کار، مخالفت و دشمنی یعقوب با حیدرصفوی بوده است.<sup>۳</sup>

در ذکر پادشاهی علیقلی شاه افشار، جانشین نادرشاه، ضمن انتقاد از او و حکومتش، می‌گوید:

خر عیسی گرش به مکه بری چون بیاید، هنوز خر باشد<sup>۴</sup>

بیشترین حملات مؤلف به سلسله زندیه و مؤسس آن، کریم خان بوده است. مؤلف، کریم خان را راهزنی دانسته که از این طریق امرار معاش می‌کرده و پیروانی به گرد خود جمع کرده بوده است. او کریم خان را با القابی نظیر فاسق و بی‌دین، خوانده است. در مواردی دیگر، او را زرتشتیگری و عدم اجرای قواعد دینی، متهم کرده است. همچنین در مورد بناهای کریم خان در شیراز، با تمسخر می‌گوید: «چند گل و خشتی در شیراز بالای هم گذاشت»، «در ملک دارالعلم شیراز، می‌ و لوازم می حاضر کرد و سی سال به طرب گذرانید.»<sup>۵</sup>

مؤلف، ضمن بدگویی از جعفرخان زند، لطفعلی خان را نیز «پسر لر پرخوری» دانسته که سوسمار آسا هر ساعتی به جایی می‌جست.<sup>۶</sup>

مؤلف در برخی موارد دیدگاه‌های تحلیل‌گرایانه و منتقدانه نیز دارد. به عنوان مثال، در مورد شهادت امام علی‌النقی (ع)، نظر ابن بابویه را در مورد زهر دادن امام توسط متوکل رد می‌کند و معتقد است که قاتل امام، المعز، خلیفه عباسی بوده است.<sup>۷</sup>

۱. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۱۶۷۸ ف، کتابخانه ملی، ص ۷.

۲. محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۷۴۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۳-۱۴۲.

۳. همان، ص ۹۵.

۴. همان، ص ۱۲۶.

۵. همان، ص ۳۰ - ۱۲۷.

۶. همان، ص ۲ - ۱۳۱.

۷. همان، ص ۶۳.

در جایی دیگر، وی نظر مثبت مورخین نسبت به میرزا عبداللطیف تیموری را با آوردن دلایلی، نمی‌پذیرد.<sup>۱</sup> همچنین در مورد واقعه پناهنده شدن با یزید، شاهزاده عثمانی به دربار شاه طهماسب، اظهار نظر مورخین در باب ایجاد توطئه توسط یزید و سلطنت در ایران را و با دلایل عقلی رد می‌کند.<sup>۲</sup>

### جایگاه اثر در تاریخ نویسی عصر قاجار

تذکره السلاطین، از اولین آثاری است که در تاریخ عمومی دوره قاجار نگاشته شده و مؤلف اثر خود را نه از هیوط آدم و انبیاء، بلکه از پادشاهی کیومرث آغاز کرده است. همین امر ضمن اینکه الگویی برای مورخینی که تاریخ خود را به صورت عمومی می‌نوشتند گردید، آغازگر توجه به باستان‌گرایی قاجاری‌ها نیز بوده اگر تذکره السلاطین را مؤثر بر اندیشه‌های تاریخ نویسی نویسندگانی نظیر جلال‌الدین میرزا، صاحب اثر *نامه خسروان و آقاخان کرمانی*، صاحب اثر *نامه باستان* و توجه آنها به باستان‌گرایی بدانیم، سخنی گزاف نخواهد بود.

از آنجا که محمود میرزا خود شاهزاده‌ای قاجاری بود و با همه رجال درباری اعم از شاهزادگان، امرا، نظامیان و ... از نزدیک آشنا بود، اثر وی را می‌توان مهمترین اثر آن دوره، از نظر رجال‌شناسی دانست. محمود میرزا در این اثر، ضمن بیان شرح حال شاهزادگان قاجاری، یعنی اولاد فتحعلی شاه، رجال درباری - همان‌گونه که در قبل گفتیم - را به نُه صنف تقسیم کرده است. وی با ذکر رجال و شخصیت‌های هر صنف، شرح حال مختصری از آنان نیز آورده که مفید است. ما از طریق این اطلاعات، به خوبی با دربار فتحعلی شاه، رجال و اشخاص درون دربار، همراه مناصب و جایگاه آنان آشنا می‌شویم؛ خلأیی که در برخی از آثار تاریخ نویسی دوره قاجار در این زمینه وجود دارد، با این اثر محمود میرزا پر می‌شود. بدون شک این کار او، یعنی رجال‌شناسی معاصر خود، سرمشق و الگویی برای برخی از تاریخ‌نویسان بعدی قاجاری شد که این شیوه را پی گرفتند، شاهزادگانی نظیر اعتضاد السلطنه و بهمن میرزا در آثارشان به ترتیب *اکسیر التواریخ* و *تذکره محمد شاهی*، دقیقاً بر همین شیوه اثر خود را نگاشتند و در کنار ذکر وقایع تاریخی، به رجال‌شناسی معاصر خود پرداختند.

بنابراین می‌توان برای محمود میرزا، صاحب *تذکره السلاطین*، جایگاهی در خور توجه در تاریخ‌نویسی اوایل قاجار در نظر گرفت، زیرا شیوه‌های برای تاریخ‌نویسی الگویی برای دیگر تاریخ‌نویسان عصر قاجاری گردید.

۱. همان، ص ۱ - ۹۰.

۲. همان، ص ۱۰۰.

### کتابشناسی:

#### الف) کتب فارسی

- آرام، محمد باقر، اندیشه تاریخی نگاری در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶
- استرآبادی، میرزا مهدی خان، تاریخ جهانگشای نادری، به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷
- اصفهانی، حمزه بن حسن، تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک و الارض و انبیا)، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، اکسیر التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، ویسمن، ۱۳۷۰
- ای. کوپین، شعله، تاریخ نویسی در روزگار فرمانروایی شاه عباس صفوی، ترجمه منصور صفت گل، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷
- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تلخیص ذبیح الله علیزاده اشکوری، تهران، فردوس، ۱۳۸۴
- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران از عصر صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۷۵
- بهار، محمد تقی، سبک شناسی، تهران، امیرکبیر، ۳ جلد، ۱۳۷۳
- جهانگیر میرزا، تاریخ نو، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، علم، ۱۳۸۴
- حاج بابایی، محمدرضا، تاریخ نویسی در عصر قاجار، تهران، نگاه امروز، ۱۳۸۵
- خاوری شیرازی، میرزا فضل الله، تاریخ ذوالقرنین (ج اول نامه خاقان، ج دوم رساله صاحبقران)، تصحیح ناصر افشارفر، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰
- دیوان بیگی شیرازی، سید احمد، حدیقه الشعراء، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۳ جلد، ۱۳۶۶
- ساروی، محمد فتح الله بن محمد تقی، تاریخ محمدی (احسن التواریخ)، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱
- طباطبایی، جواد، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط در ایران، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۰
- عضدالدوله، سلطان احمد میرزا، تاریخ عضدی، با توضیحات و اضافاتی از عبدالحسین نوایی، تهران، علم، ۱۳۷۶
- لسان‌الملک سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، به تصحیح و حواشی محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۴ جلد، ۱۳۴۴
- محمود میزا قاجار، سفینه محمود، تصحیح و تحشیه عبدالرسول خیامپور، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۶
- .....، مقصودجهان، به تصحیح هارون و هومن، تهران، گوهر منظوم، ۱۳۸۴
- .....، تاریخ صاحبقرانی، تصحیح نادره جلالی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد



جستاری در نسخه خطی تذکره السلاطین محمود میرزا قاجار / انور خالدی

مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹

- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، نگارستان دارا، به کوشش ع. خیامپور، شرکت چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۴۲
- منشی، اسکندربیک، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷
- میرخواند، محمد بن برهان الدین خاوندشاه، تاریخ روضه الصفا، مصحح جمشید کیانفر رضاقلی خان هدایت طبرستانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰

### ب) مقالات:

- ناصر افشارفر، «نهادند به روایت مقصود جهان»، فرهنگان، ش ۶، زمستان ۷۹
- ناصر افشارفر، «محمود میرزا حاکم نهادند»، فرهنگان، سال ۱، شماره ۲، زمستان ۸۷
- فریدون آدمیت، «انحطاط تاریخ نگاری در ایران»، سخن، سال هفدهم، ش ۱، فروردین ۱۳۴۶
- نادره جلالی، «رسالات محمود میرزا قاجار»، آینه میراث، ش ۱۲، بهار ۸۰
- عبدالحسین زرگری نژاد، «خاوری شیرازی و تثبیت مکتب تاریخ نویسی استرآبادی»، تاریخ، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال دوم، شماره یکم، ۱۳۸۰
- ناشناس، «تاریخ نگاری درباری»، حوزه، شماره سوم، سال چهارم، مرداد و شهریور ۱۳۶۶، ش ۲۱
- ناشناس، «تاریخ نگاری درباری»، حوزه، شماره ششم، سال چهارم، بهمن و اسفند ۱۳۶۶، ش ۲۴

### ج) نسخ خطی:

- محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۷۴۱۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۱۶۷۸ف، کتابخانه ملی
- محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۲۵۳۴ف، کتابخانه ملی
- محمود میرزا قاجار، تذکره السلاطین به شماره ۵۸۴۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
- محمود میرزا قاجار، تاریخ صاحبقرانی به شماره ۶۳ف، کتابخانه ملی
- محمود میرزا قاجار، گلشن محمدی به شماره ۹۵ف، کتابخانه ملی
- محمود میرزا قاجار، مرآت محمدی به شماره ۵۸۴ف و بازیابی ۱۰۵۸۴-۵، کتابخانه ملی
- محمود میرزا قاجار، اخبار محمدی به شماره ۵۷۸ف و بازیابی ۱۰۵۷۸-۵، کتابخانه ملی
- محمود میرزا قاجار، مجمع المحمود به شماره ۱۹۱۳۳-۵، کتابخانه ملی
- بهمن میرزا قاجار، تذکره محمد شاهی به شماره ۱۰ ادبیات کتابخانه، مرکزی دانشگاه تهران
- میرزا معصوم خاوری کوزه کنانی، مهرخاوری به شماره ۲۸۱۵، کتابخانه ملی